



چیستی فرهنگ

در گفتگو با حجة الاسلام رضا مختاری، استاد دانشگاه

آن فرهنگ مورد نظر ما، می‌گوییم ایشان دارای فقر فرهنگی است؛ و گر نه نبود فرهنگ دین در یک شخص، به دلیل نبود فرهنگ در او نیست. هر انسان حتی شخصی که بی‌بند و بار محض است و به هیچ اصول و قانونی مقید نیست، همین مقید شدن، به این است که فرهنگی خاصی را نپذیرد و خود این یک فرهنگ است. اگر منظور ما از فقر فرهنگی، نبود فرهنگ دین باشد، فقیر در فرهنگ دین، کسی خواهد بود که رفتارش متأثر از اسلام نیست. کسی که باورهای اسلامی به او حرکت نمی‌دهد. متأسفانه تا مسأله فقر فرهنگ مطرح می‌شود، زود ذهن‌ها به سمت شناخت‌ها و اطلاعات و معرفت متوجه می‌شود. در صورتی که فرهنگ، همه عرصه وجودی انسان را در بر می‌گیرد. امکان دارد شخصی بی‌سواد باشد، ولی از نظر رفتار، فرهنگ خوبی را نشان دهد. یک نکته مهم دیگر هم هست. انسان فقط دین نیست، بلکه دین بخشی از نیازهای بشر بوده که چون انسان در اختیار نداشته، خداوند تعالی لطف کرده توسط انبیاء به انسان هدیه داده و عرضه کرده است. به تعبیر آیه «انا عرضنا الامانة...» عرضه کرده به انسان و این عظیم بودن شخصیت انسان را می‌رساند.

فرهنگ بشری را به فرهنگ دین تعریف کردن، یک تعریف ناقص است. انسان متشکل از یکسری باورها و دریافت‌های انسانی است که توسط عقل و تجربه خود دریافت می‌کند و یکسری دریافت‌ها و باورهایی که از وحی دارد. مجموعه این‌ها فرهنگ انسان را تشکیل می‌دهد. روی این حساب، فقر فرهنگی که در جامعه مطرح می‌شود، اگر این باشد، درست است. کسی که یا از آن فرهنگ انسانی که بدون نزول وحی دریافت می‌شود، خالی است (البته فرهنگ درست) یا از تعالیمی که از طریق وحی به ما داده می‌شود، خالی باشد.

□ جوان و نوجوان ما در رویارویی با جهان امروز باید متوجه چه چیزهایی باشد. در هرحال و در هرکاری که هستیم، چه چیزهایی خیلی مهم است که باید روی آن تأکید کرد و همیشه متوجه آن بود؟

- جوان باید متوجه دو چیز باشد. یکی آنکه انسان است. معمولاً این‌طور است که انحراف یا از دست رفتن یک فرهنگ ارزشی وقتی رخ می‌دهد که انسان، فراموش کند که انسان است. باید انسان بودن را همیشه متوجه انسان کرد. دیگر اینکه جوانان ما لیاقت دریافت وحی را دارند. به این معنا که برای سؤالات خودشان، نیازمند به دین‌اند و لیاقت دریافت دین را هم دارند. فکر می‌کنم اگر این دو عنصر با هم پیش بروند، برای رفع مشکلات جوانان خیلی مفید است.

□ با تشکر از فرصتی که به ما دادید، از شما سپاسگزاریم.

- یعنی متدین است - باید برای ایجاد فرهنگی صحیح در مردم کوشش کند؛ حالا با خوش‌رفتاری یا چیزهای دیگر. □ معیارهای فرهنگ خوب چیست؟

- معیار صحت و سقم فرهنگ، عقل و دین است. خداوند کسانی را که دارای عقل و اندیشه نیستند، ناپاک معرفی می‌کند. کسی که عقل ندارد، دین هم ندارد. این دو با هم فرهنگ را معرفی می‌کند. در احادیث هم هست: «من لا عقل له، لا دین له»

شرافت وحی هم به عقل است. اگر عقل نبود، وحی کاربردی نداشت.

□ گفته می‌شود، جامعه ما با فقر فرهنگی روبه‌روست. دقیقاً تأثیر این فقر فرهنگی در حوزه‌های مختلف به جوانان بر می‌گردد. تعریف شما از فقر فرهنگی چیست؟

- برای شناخت فقر فرهنگی اول باید فرهنگ را تعریف کنیم و بعد نبود آن را به عنوان فقر فرهنگی بگیریم. اگر فرهنگ را روح و قوتی در نفس آدمی که انسان را به حرکات و تلاش‌های فکری و عملی خاصی می‌دارد - یعنی مجموعه باورها و عادت‌هایی که رکن زندگی شخصی است و تمام رفتار و افکار شخص، حول آن محور می‌گردد - تعریف کنیم، آن وقت فقر فرهنگی یک امر نسبی می‌شود. یعنی هیچ آدمی پیدا نمی‌شود که فقر فرهنگی داشته باشد. ولی به لحاظ آنکه از اصول خاصی که در نظر ماست، پیروی نمی‌کند؛ به لحاظ نبود

حجة الاسلام والمسلمین محمدرضا مختاری، استاد فلسفه و منطق حوزه علمیه است. او نزدیک پانزده سال است که مشغول به کارهای فرهنگی، تحقیقی است. سال‌ها معلمی کرده و مقالات فراوانی نوشته است. او در حال حاضر مشغول به تدریس فلسفه و تحقیقات در حوزه معرفت دین و دین‌شناسی است. وی را به صورت ناگهانی یافتیم و سؤالات خود را در خصوص مسائل فرهنگی و اجتماعی و برخورد با جوانان از او پرسیدیم. گفتگوی کوتاه ما را با استاد مختاری می‌خوانید.

□ این روزها خیلی‌ها داعیه کار فرهنگی برای جوان‌ها را دارند. شما از واژه «کار فرهنگی» چه تعریفی دارید؟

- کار فرهنگی خیلی وسیع است. فرهنگ تمام ابعاد وجودی انسان است. تربیت و تعلیم بخشی از کار فرهنگی است. حتی کار درمانی، در مواقعی کار فرهنگی است. تعریف کار فرهنگی این است که فعالیت اعم از فکری، مالی، رفتاری و... که منجر به ایجاد فرهنگ صحیح در شخصی مقابل شود. حالا این می‌تواند یک مهمانی باشد، یا حتی خوش‌رفتاری که خود یک کار رفتاری است. آیه داریم که اگر ای پیامبر، تو یک آدم تند و عصبانی بودی، همه از اطراف تو پراکنده می‌شدند. ما نباید کار فرهنگی را در یک شخص محدود کنیم، یعنی فقط یک روحانی را بیاوریم، تا کار فرهنگی کند. هرکس که متوجه شده که انسان است و مورد خطاب خداوند است